

## جهان در آینه مرور

لیلا جدیدی

در این نوشتار می خوانید:

- پیروزی تونی بلر در خلا
- آلترناتیو
- از کوبا تا مکزیک، جبهه
- آمریکای لاتین
- چاوز در کوبا
- مکزیک، دور تر اما نزدیک

## پیروزی تونی بلر در خلا آلترناتیو

انتخابات در انگلیس تحت شرایطی استثنایی صورت گرفت. این انتخابات در شرایطی برگزار شد که حزب کارگر نه تنها به یک حزب دست راستی تبدیل گشته بلکه، اکثریت بزرگی از کارگران، طبقه ای که بطور سنتی بر



آن تکیه داشت را نیز از دست داده است.

در سال ۱۹۹۷، تونی بلر با ادعای "تولد دیگری" برای حزب کارگر به صحنه وارد شده و میلیونها نفر را امیدوار ساخت که گزینه انسانی تری در برابر محافظه کاران عرضه خواهد داشت. چهار سال بعد، اگر چه او برای دومین بار در انتخابات پیروز شد، اما ریزش حمایت‌های مردمی وی را از اوج به پایین کشیده بود. در سال ۲۰۰۱، بلر دیگر محبوبیت اولیه خود را به مقدار زیادی از دست داده بود و نارضایتی و ناامیدی جایگزین اعتماد و شور اولیه گشته بود. این نشانی از میزان عدم پایداری و وفاداری او به وعده های پیش از انتخابات بود. این روند نزولی همچنان ادامه یافت، به طوری که در انتخابات این دوره (۲۰۰۵) نه تنها بلر تنفر و انزجار بسیاری را نسبت به خود بر انگیزیده بود بلکه، حزب کارگر نیز مشروعیت خود را به مقدار زیادی از دست داده بود.

سایه سیاهی که بر فراز سر بلر و حزب کار گسترده شد، بیش از همه ناشی از دخالت نظامی بریتانیا در جنگ عراق و اشغال این کشور بود که با خود تهاجم به حقوق دموکراتیک مردم بریتانیا را نیز به ارمغان آورد.

همزمان، به خاطر مخالفت مردم با جنگ عراق، نارضایتی از حزب محافظه کار که حامی آن است نیز افزایش یافته بود و از این رو، حزب لیبرال دموکرات امیدوار شد که در این انتخابات به عنوان یک حزب اپوزیسیون رسمی در مجلس عوام دیده شود.

از سوی دیگر، چالش عمده دیگر بلر در این انتخابات، هراس مردم انگلیس از احتمال دخالت و همراهی کشورشان در حمله احتمالی آمریکا به ایران یا سوریه بود. به طوریکه، حزب لیبرال دموکرات، مبارزه انتخاباتی خود را با تاکید روی این امر بنا نهاد. از همین رو بود که چک استراو، وزیر خارجه انگلیس دخالت نظامی بریتانیا را در حمله احتمالی آمریکا به ایران رد کرد. بارونس سایمونز، معاون امور خاورمیانه وزیر خارجه دولت بلر نیز تاکید کرد که "حزب کارگر در صورت پیروزی در انتخابات، در حمله نظامی به ایران شرکت نخواهد کرد" و گمانه‌زنیها در مورد احتمال مشارکت انگلیس در حمله نظامی به ایران را "پوچ" توصیف نمود. با این حال، چارلز کندی، رهبر حزب دموکرات هشدار داد که گزینه نظامی علیه ایران در واشنگتن فعالانه مورد بررسی قرار می گیرد و افزود، انتخاب مجدد بلر می تواند به عنوان چراغ سبزی برای حمله نظامی به ایران باشد.

تنها چند روز پیش از انتخابات، روزنامه ساندی تایمز فاش ساخت، جنگ علیه عراق مدتهای زیادی پیش از اینکه اعلام شود، با نام "تغییر رژیم" در واشنگتن تصمیم گیری شده بود. امری که طبق قوانین بین المللی غیر قانونی به حساب می آید. بلر در آن زمان در ملاقات با عده ای از سران حکومتی آمریکا، سناریوی این تهاجم را بررسی کرده و ابراز عقیده کرده بود، اگر دلایل سیاسی خوبی مطرح شود، مردم حمایت می کنند. او گفته بود: "تنها باید دید نقشه های نظامی کارگر واقع می شوند و یا برای پیشبرد آن نیاز به زمان خواهد بود." از این رو، برای ایجاد یک استراتژی سیاسی، مساله سلاح کشتار جمعی عراق به میان آورده شد. این در حالی بود که چک استرا اعلام کرده بود که صدام دسترسی وسیعی به این نوع سلاحها نداشته و کره شمالی، ایران و لیبی خطرناک تر هستند. با این حال، این امیدواری را نیز داشت که صدام در

برابر بازرسان سدی ایجاد کند تا نقشه ها به خوبی پیش برده شود.

از همین رو، در روزهای پیش از انتخابات، مساله غیر قانونی بودن جنگ، سایه سنگینی بر سر آقای بلر افکند. به طوریکه تلاشهای زیادی صورت گرفت تا غیر قانونی بودن جنگ عراق به اثبات برسد. اما دوستان بلر تا توانستند تلاش کردند توسط راهبهای قانونی این شر را از سر او کم کنند.

با این همه، حزب کار به رهبری تونی بلر، نخست وزیر انگلیس، در انتخابات عمومی این کشور با کسب ۳۵۳ کرسی در مجلس عوام برای سومین بار به پیروزی رسید اما اکثریت این حزب در پارلمان به شدت کاهش یافت. حزب محافظه کار با ۱۹۴ رای و حزب لیبرال دموکرات با ۵۹ رای و دیگر احزاب با ۱۲ رای در رده های اول تا چهارم انتخابات عمومی انگلیس قرار گرفتند. این در مقایسه با دوره پیشین انتخابات که حزب کارگر ۴۱۰ کرسی، حزب محافظه کار ۱۶۴ کرسی و حزب لیبرال دموکرات ۵۴ کرسی در مجلس کسب کرده بودند، نشان از افت محبوبیت حزب کارگر دارد.

به طبع این سوال پیش می آید، اکنون که دیگر ثابت شده جنگ علیه عراق ساخته و پرداخته بوش و بلر و حمایت بخش بزرگی از طبقه حاکمه و پارلمان دو کشور بوده است و اگر چه هر دو آنها باید برای ارتکاب به جنایت جنگی محاکمه شوند، چگونه است که هر دو بار دیگر در انتخابات پیروز می گردند؟ مهمترین عامل انتخاب بلر برای بار سوم را می توان در مرحله اول در این امر دید که طبقه کارگر انگلیس واکنش چشمگیری در برابر خیانتی که از جانب حزب کارگر صورت گرفته بود نشان نداد و تلاشی جهت یافتن راهی که ایده های سوسیالیستی را تبلیغ و ترویج و جایگزین سیاستهای بلر کند به عمل نیاورد.

از سوی دیگر، انتخاب بلر، تحت این شرایط، نشانگر این واقعیت است که اکثریت مردم بریتانیا آلترناتیو بهتری در برابر بلر در دست ندارند. بنابر یک همه پرسی، بیش از یک سوم افراد زیر ۳۵ سال به طور کلی از پروسه کنونی سیاسی ناراضی هستند و ۶۰ درصد رای دهندگانی که به هر دو سو گرایش دارند، تعلق خاصی به حزبی ندارند. تنها ۱۷ درصد پرسش شوندگان حامی مصمم حزب کارگر و ۱۳ درصد حامی محافظه کاران هستند. این در حالی است که در اولین دوره یعنی در سال ۱۹۹۷، محبوبیت بلر به ۷۰ درصد رسیده بود.

با این همه، مشکل اساسی این نیست که به طبقه کارگر انگلیس ثابت شود که باید به دنبال آلترناتیو دیگری باشد، مشکل این است که آنچه در حال حاضر خود را به نام آلترناتیو معرفی می کند، نه تنها شکل رادیکال تری ندارد بلکه، کارگران را به سوی سیاستهای گذشته کارگری دعوت می کند و بدین گونه فضای سیاسی نامناسبی ایجاد می کند. انتخاب آقای بلر سایه سیاه جنگ را از بالای سر او محو نکرده است. هنوز چند روزی از انتخاب نخست وزیر بریتانیا نگذشته بود که ده تن از خانواده های سربازانی که در جنگ با عراق جان خود را از دست داده اند، از او به دادگاه شکایت کردند و وکلا و سازمانهای ضد جنگ، اسناد و مدارکی را به دادگاه بین المللی جنایت علیه بشریت ارایه دادند.

همزمان، رسانه های دست راستی به شدت حزب کارگر را مورد انتقاد قرار دادند، اگر چه او را بهترین انتخاب در شرایط فعلی دانستند اما به این جهت که او به اندازه کافی مخارج عمومی و خدمات اجتماعی را کاهش نداد، به میزان کافی در خصوصی سازی پیشروی نکرده و مالیات تجار و ثروتمندان را به اندازه کافی کم نکرده است، بلر را شایسته انتقاد دانستند.

لیبرال دموکراتها نیز نتیجه انتخابات را کاسته شدن محبوبیت حزب کارگر و اعتماد مردم به بلر دانستند. آنها خود را در "سمت چپ حزب کارگر" معرفی کردند.

پروسه تبدیل حزب کارگر انگلیس به جناح دست راستی که مدافع منافع سرمایه داران است رو به تکمیل است. طبقه کارگر این کشور بایستی به آلترناتیوی سوسیالیستی روی آورده و برای ایجاد حزب واقعی خود تلاش کند.

## از کوبا تا مکزیک، جبهه آمریکای لاتین

در پی تهدیدات اخیر واشنگتن و پس از آنکه خانم رایس، وزیر خارجه این کشور در سفر خود به آمریکای لاتین، ونزوئلا را "نیروی منفی" در این سوی جهان خواند، نخست هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا، به روابط نظامی بین دو کشور خاتمه داد و نظامیان آمریکایی مستقر در این کشور را اخراج کرد. سپس، در یک برنامه

بقیه در صفحه ۱۳